

تجزیه و تحلیل و تعیین ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارزی کشورهای

صادرکننده مواد خام*

دکتر اسدالله فرزین‌وش**

دکتر سهیلا بی‌ریا***

تاریخ دریافت ۸۲/۷/۵ تاریخ پذیرش ۸۳/۸/۲۳

چکیده

در این مقاله، تجزیه و تحلیل و تعیین ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارزی کشورهای صادرکننده مواد خام با استفاده از مدل "رهیافت میانگین - واریانس" مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تجربی نشان می‌دهد که این کشورها بیش از میزان مورد نیاز، ذخایر ارزی را به صورت دلار و مارک نگهداری می‌کنند. علاوه بر این، ترکیب پولی ذخایر ارزی این کشورها تحت تأثیر ریسک ناشی از نگهداری ذخایر ارزی، پول رایج در بدهی خارجی کشورها و پول حاکم در جریان تجارت کشورها است.

طبقه‌بندی JEL: F31, G11.

کلید واژه: ترکیب ذخایر ارزی، رهیافت میانگین واریانس، کشورهای صادرکننده مواد خام.

* این مقاله از رساله دوره دکتری خانم سهیلا بی‌ریا در دانشگاه تربیت مدرس استخراج شده است.

** دانشیار دانشگاه تهران.

*** استادیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۱- مقدمه

مدیریت ذخایر ارزی یکی از جنبه‌های بسیار جالب سیستم پولی بین‌المللی است. بررسی عملکرد کنونی سیستم پولی کشورهای مختلف نشان می‌دهد بنابه دلایل مختلف باید مدیریت ذخایر ارزی تغییر یابد. زیرا در طرف عرضه، ورود یورو به سیستم پولی بین‌المللی یک رقیب جدی را برای دلار بعد از بیش از ۵۰ سال پدید آورده است. بدیهی است به دلیل جذابیت یورو، در ترکیب ذخایر ارزی تغییر ایجاد خواهد شد و انتظار می‌رود موقعیت دلار دچار تزلزل شود. از طرف تقاضا نیز تغییر در ساختار مبادلات بین‌المللی، محدودیت حساب سرمایه و تغییر در رژیم‌های ارزی کشورهای در حال توسعه، بر ترکیب ذخایر ارزی این کشورها تأثیر خواهد داشت.

پس، در این مقاله به مسأله ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارزی پرداخته شده است. لازم به ذکر است بررسی این موضوع، در شرایط کمبود و فقدان برخی از آمارها صورت می‌پذیرد. از این رو در ابتدا به بررسی سابقه و تاریخچه موضوع ترکیب ذخایر ارزی پرداخته و مبانی نظری انتخاب بهینه پرتفوی ذخایر ارزی مطرح می‌شود. سپس براساس مبانی مطرح شده، ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارزی برای کشورهای صادرکننده موادخام برآورد می‌شود. در نهایت به بررسی عوامل مؤثر بر ترکیب ذخایر ارزی کشورهای مذکور پرداخته می‌شود.

۲- سابقه و تاریخچه تحقیقات انجام شده در مورد ترکیب ذخایر ارزی

تلاش‌های متعددی به منظور تبیین مبانی نظری و نظریه‌های مربوط به ترکیب بهینه ذخایر ارزی صورت گرفته است. لیکن مدل‌های اولیه بیشتر به منظور بررسی انتخاب پرتفوی افراد و بنگاه‌ها بوده است. چندین اقتصاددان از جمله کنین^۱، استکلر و پیکرز^۲ و مکین^۳، ترکیب ذخایر ارزی کشورها را مورد بررسی قرار دادند. لیکن مطالعات ایشان در رابطه با تعیین نسبت بهینه طلا به دلار است. این مطالعات مربوط به دوره زمانی است که سیستم پولی بین‌المللی بر مبنای طلا بوده و سیستم نرخ ارز ثابت حاکم بوده است. این مطالعات به منظور درک این که چرا نسبت طلا به دلار تغییر می‌کند، مفید است، لیکن با تغییر در سیستم نرخ ارز ثابت و اعمال سیستم ارزی شناور و شناور مدیریت شده، موقعیت خاص دلار و طلا به عنوان یک ذخیره ارزی مهم و اصلی متزلزل شده است. تا سال ۲۰۰۰ میلادی کشورهای مختلف ارزهای گوناگونی را از جمله مارک آلمان، فرانک فرانسه، فرانک سوئیس، ین ژاپن و پوند انگلیس را در پرتفوی ارزی خود نگهداری می‌کنند.

از آن زمان، تعیین ترکیب بهینه پرتفوی ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده موادخام براساس انگیزه‌های احتیاطی و مبادلاتی مسؤولان پولی و بانک‌های مرکزی صورت می‌گیرد. مدل مورد نظر در مورد انگیزه‌های احتیاطی، بر اساس «رهیافت میانگین - واریانس»^۴ شکل گرفته است. در انگیزه احتیاطی، ترکیب بهینه پرتفوی ذخایر ارزی براساس ریسک و بازده انتظاری ارزهای مختلف تعیین

1- Kenen, 1967.

2- Steckler and Pickarz, 1970.

3- Makin, 1971.

4- Mean Variance Approach.

می‌شود. این نظریه اولین بار توسط مارکوویتز^۵ و سپس توسط توبین^۶ مطرح گردید. در این رهیافت، تابع هدف براساس بازده انتظاری ارزشهای مختلف و ریسک ناشی از تبدیل آنان تعریف و سپس حداکثر شده و بر این اساس، سهم بهینه هر یک از ارزشهای مختلف در پرتفوی تعیین می‌شود. بن بسات^۷ نیز با استفاده از همین روش ترکیب بهینه پرتفوی ذخایر ارزی رژیم اشغالگر قدس را در طی سال‌های ۱۹۷۱-۷۷ برآورد کرد.

میسون و ترتل‌بوم^۸ نیز با استفاده از همین روش ترکیب بهینه ذخایر ارزی را برحسب SDRs به طور متوسط برای کل کشورهای جهان برآورد کردند.

لیکن دولی، لیزوندو و ماتیوسون^۹ انتخاب پرتفوی ذخایر ارزی را براساس انگیزه مبادلاتی مورد بررسی قرار دادند. ایشان ترکیب ذخایر ارزی را برای دو گروه از کشورهای جهان (توسعه یافته و در حال توسعه) در دوره زمانی ۱۹۷۶-۸۵ برآورد کردند و نشان دادند که این ترکیب تابعی از رژیم نرخ ارز هر کشور، جریان تجارت و میزان بهره‌پرداختی روی بدهی‌ها است. ماتیوسون و ایشنگرین^{۱۰} نیز از همین روش برای تعیین ترکیب بهینه ذخایر ارزی کشورهای مختلف برای سال‌های ۱۹۷۱-۹۵ استفاده کردند. ایشان نیز نتیجه گرفتند اگر پول کشوری به پول دیگر تثبیت شده باشد، سهم بیشتری از ذخایرش را براساس پول آن کشور باید نگهداری کند. علاوه بر این، ترکیب ارزی جریان تجارت یک کشور با کشورهای دیگر و میزان و نوع پول مورد استفاده برای پرداخت بهره پرداختی روی بدهی‌ها نیز بر ترکیب ذخایر ارزی نگهداری شده توسط بانک مرکزی مؤثر است.

۳- مبانی نظری تعیین ترکیب بهینه ذخایر ارزی

دو رهیافت «مبادلاتی» و «احتیاطی» به منظور تعیین ترکیب بهینه ذخایر ارزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که وضعیت خالص ذخایر ارزی هر کشور تحت تأثیر ملاحظات مربوط به ریسک - بازده است. درحالی‌که وضعیت ناخالص ذخایر ارزی کشورها^{۱۱} بر مبنای ملاحظات مبادلاتی تعیین می‌شود. تفاوت بین وضعیت خالص و ناخالص ذخایر ارزی در دیون ناخالص خارجی^{۱۲} است. نیاز مبادلاتی، براساس جریان مبادلات و جریان سرمایه اندازه‌گیری می‌شود. لازم به ذکر است که در این مقاله، فرض می‌شود سطح ذخایر ارزی به صورت ثابت و برون‌زا تعیین می‌شود، و براین مبنا ترکیب ذخایر ارزی تعیین می‌شود.

در مدل استاندارد پرتفوی بهینه ذخایر ارزی^{۱۳} که توسط رول^{۱۴}، ماسادو^{۱۵} و هوری^{۱۶} بیان شده و سهم بهینه پول i در پرتفوی ذخایر خالص ارزی کشورها براساس نرخ بازدهی انتظاری روی

5- Markowitz, 1953.

6- Tobin, 1958.

7- Ben Bassat, 1979.

8- Masson and TurtelBoom, 1997.

9- Dooly, Lizondo and Mathioson, 1989.

10- Mathioson and Eichengreen, 2000.

11- Country,s gross foreign Currency Position.

12- Gross External Liabilities.

13- Standard Optimal Portfolio Model.

14- Roll, 1997.

15- Macedo, 1980.

16- Horri, 1986.

پول‌های مختلف و ماتریس واریانس - کواریانس بازدهی آنان تعیین می‌شود. اگر x_i سهم ارز i در پرتفوی و X بردار x_i بوده و R_i میزان بازدهی هر کدام از ارزها و R بردار R_i باشد و m میانگین بازده انتظاری و σ^2 واریانس بازده روی وضعیت خالص ذخایر ارزی باشد، پس می‌توان نوشت:

$$m = X'R \quad (1)$$

$$\sigma^2 = X'VX \quad (2)$$

در این معادلات R بردار $E(E(X))$ بازده انتظاری ارزهای مختلف و V ماتریس واریانس - کواریانس بازده انتظاری واقعی ارزهای مختلف است. در چارچوب "رهیافت میانگین - واریانس"، تابع مطلوبیت مسؤولان پولی کشورها به‌طور مثبت با بازده انتظاری پرتفوی و به‌طور منفی با ریسک بازده ارزهای مختلف رابطه دارد. در صورتی که تابع هدف مسؤولان پولی به صورت (۳) باشد:

$$U = m - \left(\frac{b}{2}\right)\sigma^2 \quad (3)$$

بردار بهینه وضعیت پرتفوی X^* را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$X^* = \frac{V^{-1}e}{e'V^{-1}e} + \left(\frac{1}{b}\right)V^{-1}\left[R - \left(\frac{R'V^{-1}e}{e'V^{-1}e}\right)e\right] \quad (4)$$

که در این معادله e بردار واحد و b درجه ریسک‌گریزی است. می‌توان این معادله را به صورت ماتریسی نیز حل کرد:^{۱۷}

$$U = X'R - \left(\frac{b}{2}\right)(X'VX) \quad (5)$$

$$\frac{dU}{dX} = R - bVX = 0$$

$$X = (bV)^{-1}R$$

$$X = \frac{1}{b}(V)^{-1}R \quad (6)$$

پس، سهم بهینه هر ارز در پرتفوی ذخایر خالص ارزی به صورت یک تابع مستقیم از بازده انتظاری ارزهای مختلف و معکوس ماتریس واریانس - کواریانس محاسبه می‌شود. به منظور تعیین ترکیب ناخالص ذخایر ارزی از معادله (۴) استفاده می‌کنیم. برای سهولت، فرض می‌کنیم فقط دو پول خارجی دلار آمریکا (پول اول) و مارک آلمان (پول دوم) وجود دارد. در صورتی که A_i نشان‌دهنده وضعیت ناخالص ذخایر ارزی پول i نگهداری شده و L_i بدهی‌های مربوط به پول i و N_i وضعیت خالص ذخایر ارزی پول i ، $N_i = A_i - L_i$ باشد. و همچنین W میزان و سطح کلی ذخایر خالص ارز باشد که فرض می‌شود به صورت مستقل و برون‌زا تعیین می‌شود. لذا:

$$W = A_1 + A_2 - L_1 - L_2 = N_1 + N_2 \quad (7)$$

در این مدل که برای دو پول تعریف شده است، نقش هزینه‌های مبادلاتی و ملاحظات مربوط به ریسک و بازده انتظاری در تعیین وضعیت ناخالص ذخایر ارزی کشورها را می‌توان به صورت فرمولی به دست آورد:

کشورها می‌توانند ذخایر ارزی خود را به صورت پول i نگهداری بکنند. در این حالت پول i بازدهی به میزان نرخ بهره پول دارد که میانگین آن r_i و واریانس آن σ_i^2 است. به همین نحو کشوری که پول i را قرض می‌گیرد $r_i + d_i$ را پرداخت می‌کند d_i یک مقدار ثابت است و معادل مابه‌التفاوت نرخ بهره وام دریافتی و وام پرداختی است. لذا بهره خالص دریافتی بر دارایی‌های خالص ارزی برابر با $r_i (A_i - L_i)$ است.

بازدهی انتظاری روی دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی خارجی کشورها برابر است با:

$$m = r_1 A_1 + r_2 A_2 - (r_1 + d_1) L_1 - (r_2 + d_2) L_2 \quad (8)$$

$$= (r_1 + d_1) N_1 + (r_2 + d_2) N_2 - d_1 A_1 - d_2 A_2$$

در شرایطی که $N_i = A_i - L_i$ برقرار است. واریانس بازده برابر است با:

$$\sigma^2 = N_1^2 \sigma_{r_1}^2 + N_2^2 \sigma_{r_2}^2 + 2N_1 N_2 \sigma_{r_1 r_2} \quad (9)$$

به منظور به دست آوردن درآمد بهره خالص، مسؤولان پولی ناچار هستند که هزینه مبادلاتی مربوط به معاملات در بازار ارز را در نظر بگیرند. در صورتی که ساختار مبادلات معین باشد، کشورها با هزینه‌های مبادلاتی مواجه هستند. که تحت تأثیر دو عامل می‌باشد. اول، هزینه تبدیل یک پول به پول دیگر. اگر ذخایر ارزی کافی در پول معین (A_i) وجود داشته باشد، در این حالت مسؤولان پولی ناچار به پرداخت هزینه‌های مبادلاتی در پول معین نیستند، زیرا ذخایر ارزی نگهداری شده در هر ارز به منظور تأمین نیازهای مبادلاتی در آن ارز کافی است. اگر مبادلات به نحوی باشد که یک پول بیشتر نگهداری شود. مسؤولان پولی ناگزیر می‌شوند بخشی از ذخایر ارزی بانک مرکزی را به آن پول تبدیل کنند. که نتیجه این امر هزینه‌های مبادلاتی است.

دومین نوع هزینه در ارتباط با امکان افزایش در سطح ذخایر ارزی است. اگر میزان ذخایر ارزی کافی نباشد، مسؤولان پولی مجبور هستند که اقدام به استقراض کنند. همچنین فرض می‌شود استقراض هزینه دارد.

هزینه تبدیل پول و یا به کار بردن استقراض اجباری به منظور جبران کسری در تراز پرداخت‌ها به صورت یک تابع درجه دوم از مقدار مبادلات است. در نتیجه، می‌توان ثابت کرد که هزینه‌های انتظاری تبدیل ذخایر و هزینه‌های کمبود ذخایر ارزی برای ذخایر ارزی A_1 و A_2 به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$E(TC) = \pi_2 C (A_1 - t_1)^2 + \pi_3 C (A_2 - t_2)^2 + (\pi_2 + \pi_3) P (T - A_1 - A_2)^2 \quad (10)$$

که C و P به ترتیب پارامترهایی هستند که هزینه تبدیل ذخایر ارزی از یک پول به پول دیگر و هزینه‌های مربوط به کمبود ذخایر ارزی را نشان می‌دهند. π_2 و π_3 نشان‌دهنده این احتمال است که

در بازار ارز بانک مرکزی خریدار و یا فروشنده دلار و مارک باشد. به منظور تعیین ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارز خارجی، تابع مطلوبیتی را که تابع مثبت میانگین بازده انتظاری m روی ذخایر ناخالص ارزی (شامل هزینه انتظاری مبادلات و هزینه استقراض) است حداکثر می‌نماییم. این تابع به طور منفی با واریانس (σ^2) بازده پرتفوی رابطه دارد. پس تابع هدف به صورت زیر نوشته می‌شود.^۱

$$U = m - \left(\frac{b}{2}\right)\sigma^2 - E(TC) \quad (11)$$

در صورتی که:

$$\begin{aligned} m &= (r_1 + d_1)N_1 + (r_2 + d_2)N_2 - d_1A_1 + d_2A_2 \\ &= (r_2 + d_2)W + (r_1 + d_1 - r_2 - d_2)N_1 - d_1A_1 - d_2A_2 \\ \sigma^2 &= N_1^2 \sigma_{r_1}^2 + (W - N_1)^2 \sigma_{r_2}^2 + 2N_1(W - N_1)\sigma_{r_1}\sigma_{r_2} \end{aligned}$$

در این معادله r_1 و r_2 نرخ بهره پرداختی بر روی دلار و مارک در دوره مورد نظر t است. با حداکثر کردن تابع مذکور و از طریق شرایط اولیه می‌توان نوشت:

$$A_1 = \frac{\pi_3 A + \pi_2 t_1 - \pi_3 t_2}{(\pi_2 + \pi_3)} + \frac{d_2 - d_1}{2c(\pi_2 + \pi_3)} \quad (12)$$

$$A_2 = \frac{\pi_2 A + \pi_3 t_2 - \pi_2 t_1}{(\pi_2 + \pi_3)} + \frac{d_1 - d_2}{2c(\pi_2 + \pi_3)} \quad (13)$$

$$A = \frac{2p(\pi_2 + \pi_3)^2 T + 2c\pi_2\pi_3(t_1 + t_2) - (\pi_3 d_1 + \pi_2 d_2)}{2p(\pi_2 + \pi_3)^2 + 2\pi_2\pi_3c} \quad (14)$$

$$A = A_1 + A_2$$

در این معادله A حجم ذخایر ناخالص ارزی، A_1 و A_2 میزان ذخایر ناخالص ارزی بر حسب دلار و مارک t_1 و t_2 مقدار مبادله دلار و مارک، π_2 و π_3 احتمال این که کشورها در بازار ارز خریدار یا فروشنده دلار و مارک باشند، d_1 و d_2 تفاوت بین نرخ بهره دریافتی و پرداختی در آمریکا و آلمان است.

معادلات ۱۲، ۱۳ و ۱۴ نشان می‌دهد ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارزی تحت تأثیر هزینه مبادلات تبدیل پول و کمبود ذخایر ارزی است. در نتیجه، ترکیب پولی ذخایر ناخالص ملاحظات مبادلاتی را منعکس می‌کند.^۱

۴- برآورد ترکیب بهینه ذخایر ناخالص ارز کشورهای صادرکننده مواد خام

همان طور که گفته شد وضعیت ناخالص ذخایر ارزی کشورها بر مبنای ملاحظات مبادلاتی تعیین می‌شود. به منظور اندازه‌گیری نیاز مبادلاتی لازم است جریان مبادلات و جریان سرمایه اندازه‌گیری

شود. به این منظور فرض می‌شود سطح کلی ذخایر ارز خارجی ثابت و برون‌زا است. لازم به ذکر است که این سهم‌ها براساس سطح معین احتمال این که کشورها در بازار ارز خریدار یا فروشنده باشد محاسبه می‌شود. بدیهی است بانک‌های مرکزی می‌توانند در بازار ارز خریدار یا فروشنده باشند یا این که نه خریدار و نه فروشنده باشند. لذا $\pi_1 = \frac{1}{3}$ ، $\pi_2 = \frac{1}{3}$ و $\pi_3 = \frac{1}{3}$ برقرار است. همان‌طور که گفته شد A_1 و A_2 مقدار ذخایر ارزی برحسب دلار و مارک و t_1 و t_2 مقدار مبادلات واقعی هر ارز (دلار و مارک) است. به دلیل عدم وجود آمار در مورد سهم ذخایر ارزی هر یک از کشورهای صادرکننده موادخام، از آمار سهم ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه که توسط IMF منتشر شده استفاده کردیم. d_1 و d_2 تفاوت بین نرخ بهره دریافتی و پرداختی در دو کشور آمریکا و آلمان است. همچنین c پارامتر مربوط به هزینه تبدیل ذخایر ارزی از یک پول به پول دیگر است. به منظور محاسبه این پارامتر از نسبت میزان مبادله ارز برحسب دلار به میزان مبادله مارک استفاده شده است.

سهم بهینه دلار و مارک در ذخایر ناخالص ارزی با استفاده از معادله (۱۲) و (۱۳) برای ۲۵ کشور نمونه مورد بررسی در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰ برآورد شده است. کشورهای عضو نمونه مورد بررسی عبارتند از: الجزیره، آرژانتین، بنگلادش، بولیوی، شیلی، سری‌لانکا، اکوادور، غنا، ایران، کویت، میانمار، نیجریه، عمان، پاکستان، فیلیپین، پرو، تونس، ونزوئلا، ساحل عاج، اروگوئه، عربستان سعودی، بحرین، تایلند، مراکش و کلمبیا. این کشورها صادرکننده مواد خامند. انتخاب این کشورها از این جهت است که ویژگی اصلی و مشترک آنها در تولید و صادرات محصولات کشاورزی و مواد خام است. در نتیجه هر گونه تغییر در قیمت محصولات صادراتی این کشورها موجب بی‌ثباتی در درآمد صادراتی و نوسان در تراز تجاری این کشورها می‌شود. بدین ترتیب می‌توان اثر بی‌ثباتی در درآمد صادراتی کشورهای مذکور را بر ترکیب ناخالص ذخایر ارزی کشورهای مذکور بررسی کرد. نتایج به دست آمده از محاسبات در جدول (۱) آورده شده است.

مقایسه مقادیر محاسبه شده با مقادیر واقعی سهم هر ارز در ذخایر ناخالص ارز خارجی نشان می‌دهد، سهم‌های بهینه مارک و دلار از سهم‌های واقعی آن کمتر است. این موضوع نشان می‌دهد که این کشورها بیش از مقدار مورد نیاز ذخایر ارزی را به صورت دلار و مارک نگهداری می‌کنند.

جدول ۱- سهم واقعی و سهم بهینه مارک و دلار در ترکیب ذخایر ارزی الگوی دو ارزی (درصد).

سال	سهم واقعی دلار در ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه	سهم واقعی مارک در ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه	سهم بهینه دلار در ترکیب ذخایر ناخالص ارزی	سهم بهینه مارک در ترکیب ذخایر ناخالص ارزی
۱۹۸۱	۶۴/۱	۱۲/۵	--	--
۱۹۸۲	۶۳/۸	۱۲/۱	۳/۷۸	۴۳/۶۴
۱۹۸۳	۶۴/۸	۱۰/۵	۱۳/۴۶	۳۳/۶۷
۱۹۸۴	۶۴/۹	۱۰	۹/۱۵	۴۰/۹۷
۱۹۸۵	۶۲/۸	۱۰/۱	۲/۹۰	۴۵/۰۶
۱۹۸۶	۶۲/۳	۱۱/۱	۳/۱۷	۴۶/۳۹
۱۹۸۷	۶۰	۱۱/۱	۲/۳۵	۴۵/۲۶
۱۹۸۸	۵۷/۷	۱۱/۷	۶/۱۹	۳۵/۷۷
۱۹۸۹	۵۹/۶	۱۱/۴	۵/۶۰	۳۳/۳۱
۱۹۹۰	۵۳/۷	۱۰/۴	۷/۳۱	۴۶/۹۵
۱۹۹۱	۵۶/۴	۱۰/۵	۵/۳۷	۴۴/۷۳
۱۹۹۲	۵۶/۷	۱۰/۳	۳/۲۶	۵۱/۶۱
۱۹۹۳	۵۶/۷	۱۰	۲/۴۰	۴۱/۴۲
۱۹۹۴	۵۵/۵	۱۰/۹	۰/۶۳	۴۳/۸۷
۱۹۹۵	۵۶/۱	۹/۹	۶/۶۰	۵۱/۲۶
۱۹۹۶	۵۷/۷	۹/۶	۲/۸۰	۴۵/۰۷
۱۹۹۷	۵۶/۵	۹/۳	۵/۹۱	۳۹/۳۵
۱۹۹۸	۵۷/۱	۱۰/۱	۱/۱۹	۴۵/۷۰
۱۹۹۹	۶۱/۶	۱۰/۲۰	۶/۰۶	۴۳/۹۷
۲۰۰۰	۶۲	۱۰/۴۰	۳/۴۰	۴۹/۷۴

۵- بررسی عوامل مؤثر بر سهم ارزهای مختلف در ترکیب ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده موادخام

۵-۱- معرفی مدل مربوط به عوامل مؤثر بر سهم هر ارز در ترکیب ذخایر ارزی همان طور که ملاحظه شد سهم بهینه و سهم واقعی هر ارز در ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده موادخام متفاوت است، از این رو در این بخش عوامل مؤثر بر سهم ارزهای مختلف (دلار، مارک و ین) در ترکیب ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده موادخام در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور فرض می‌شود سطح کلی ذخایر ارزی ثابت و برون‌زا است و

ترکیب ذخایر ارزی در داخل مدل تعیین می‌شود. همان‌طور که گفته شد ترکیب ذخایر ارزی بر مبنای دو انگیزه «احتیاطی» و «مبادلاتی» تعیین می‌شود. در انگیزه احتیاطی ترکیب ذخایر ارزی براساس ریسک و بازدهی انتظاری ارزهای مختلف تعیین می‌شود. بر این اساس، سهم هر ارز در ترکیب ذخایر ارزی تابع مستقیم از بازدهی انتظاری ارزهای مختلف و تابع معکوس از انحراف معیار بازدهی انتظاری آن ارز است. در انگیزه مبادلاتی ترکیب ذخایر ارزی بر مبنای ملاحظات مبادلاتی تعیین می‌شود. ملاحظات مبادلاتی براساس حجم مبادلات و جریان سرمایه اندازه‌گیری می‌شود. ترکیب پولی ذخایر ارز خارجی به حجم مبادلات کشورها در پول معین حساس می‌باشد. شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری حجم مبادلات مطرح شده است. از جمله می‌توان به شاخص کل مبادلات در یک ارز اشاره کرد. در صورتی که کل مبادلات (مجموع صادرات و واردات) که در یک ارز معین انجام می‌شود، بیشتر باشد، سهم بیشتری از آن ارز در ذخایر ارزی مورد نیاز است. پس رابطه مستقیم بین حجم مبادله در یک ارز و سهم آن ارز در ترکیب ذخایر ارزی وجود دارد. البته در این بررسی به الگوی تجارت کشورها در جریان تجارت توجه نمی‌شود و متغیر معرفی شده یک تقریب از جریان تجارت است.

مطالعات اولیه [به‌عنوان مثال مطالعه هلر و نایت^{۱۹}] در خصوص ترکیب پولی ذخایر ارز خارجی نشان می‌دهد که متغیر معرفی شده برای اندازه‌گیری جریان تجارت، یک متغیر توضیحی مناسب است.^{۲۰} پس، می‌توان از متغیر حجم تجارت در یک ارز برای اندازه‌گیری جریان تجارت با آن ارز استفاده کرد. همچنین انتظار می‌رود ضریب متغیر مذکور مثبت باشد. زیرا هرگونه افزایش حجم تجارت یک کشور در پول معین، نیاز به آن پول را افزایش داده و در نتیجه سهم بیشتری از آن پول باید در ترکیب ذخایر ارزی نگهداری شود.

به‌همین نحو، رابطه مثبت بین جریان سرمایه در یک ارز معین و سهم آن ارز در ترکیب ذخایر ارزی وجود دارد. زیرا هر چه جریان سرمایه در یک ارز بیشتر باشد، نیاز به آن ارز بیشتر خواهد بود، در نتیجه سهم بیشتری از آن ارز در ذخایر ارزی باید نگهداری شود. لازم به ذکر است که آمار جریان سرمایه (به‌خصوص برحسب ارزهای مختلف) برای بسیاری از کشورها موجود نیست. میزان بهره‌پرداختی کشورها و سهم بدهی خارجی در هر ارز به‌عنوان تقریبی برای جریان سرمایه به‌کار رفته است. بدیهی است متغیرهای معرفی شده فقط یک یا دو جزء از اجزای جریان سرمایه کشورهاست. لیکن در کشورهای در حال توسعه بهره‌پرداختی و بدهی‌های خارجی سهم مهمی از جریان سرمایه آن کشورها را تشکیل می‌دهد.

19- Heller and Knight, 1978.

20- Dooley, Lizondo and Mathioson, 1989

۵-۲- برآورد مدل مربوط به تعیین سهم هر ارز در ترکیب ذخایر ارزی و انجام آزمون‌های مربوط به برآورد مدل

۵-۲-۱- برآورد مدل مربوط به تعیین سهم هر ارز در ترکیب ذخایر ارزی

از آنجایی که عوامل مؤثر بر سهم سه ارز (دلار، مارک و ین) بر ترکیب ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده موادخام در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد، پس لازم است سه معادله برای دلار، مارک و ین برآورد شود. نظر به این‌که کشورهای صادرکننده موادخام جزو کشورهای در حال توسعه می‌باشند و از آنجایی که آمار مربوط به ترکیب ذخایر ارزی برای کشورهای صادرکننده مواد خام وجود ندارد، از آمار ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول^{۲۱} در مورد ترکیب ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۰ استفاده شده است.

در این رگرسیون‌ها، متغیرهای وابسته سهم دلار، مارک و ین در ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه می‌باشند و متغیرهای توضیحی شامل نسبت انحراف معیار به بازدهی انتظاری هر سه ارز (دلار، مارک و ین)، حجم مبادلات (مجموع صادرات و واردات برحسب سه ارز)، نرخ بهره بر روی دلار، مارک و ین و همچنین سهم هر ارز در بدهی خارجی کشورهای مذکور است.

به منظور محاسبه میانگین و انحراف معیار بازدهی انتظاری هر ارز از روشی که توسط دوولی، لیزوند و ماتیسون (۱۹۸۹) مطرح شده و توسط میسون و تورتلوم (۲۰۰۰) به کار رفته است، استفاده شده است.

بازدهی انتظاری اسمی و واقعی هر پول (دلار، مارک و ین) برحسب SDRs محاسبه شده است. بدین منظور، نرخ بهره کوتاه‌مدت سال قبل روی اوراق خزانه (و یا هر ابزار قابل مقایسه دیگر با آن) در سه کشور آمریکا، آلمان و ژاپن با تغییرات نرخ هر پول (دلار، مارک و ین) نسبت به SDRs جمع شده بعد با کم کردن شاخص قیمت خرده‌فروشی سه کشور مذکور از نرخ بازدهی انتظاری اسمی، نرخ بازدهی انتظاری واقعی برای هر پول محاسبه شده و سپس میانگین و انحراف معیار بازدهی انتظاری ارزهای مختلف محاسبه شده است.

همچنین آمار مربوط به حجم مبادلات و سهم هر ارز در بدهی خارجی کشورها از آمارهای بانک جهانی استخراج شده است. آمار مربوط به نرخ بهره سه کشور آمریکا، ژاپن و آلمان نیز با استفاده از منابع اطلاعاتی IMF جمع‌آوری شده است.

با توجه به مطالب گفته شده تابع سهم هر ارز در ذخایر ارزی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) به شکل زیر برآورد شده است:^۱

الف) دلار آمریکا

تابع خطی که برای سهم دلار در ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده مواد خام برآورد شده است به صورت ذیل است:

$$\begin{aligned} \text{sharedollar} = & -2.78 + 11332.71\text{TDollar} - 1681103\text{RzigmaDollar} \\ & (-9.88) \quad (28.43) \quad (-3.83) \\ & + 854131\text{Dollardebrate} - 0.508603\text{USInterest} \\ & (9.12) \quad (-4.38) \\ R^2 = \%99 \quad \bar{R}^2 = \%99 \quad D - W = 2.49 \quad F - \text{statistics} = 886.23 \end{aligned}$$

که در آن تابع:^{۲۳}

Sharedollar: متوسط سهم دلار در ذخایر ارزی کشورهای صادر کننده مواد خام
 TDollar: حجم مبادله (مجموع صادرات و واردات) کشورهای صادر کننده مواد خام بر حسب دلار
 RzigmaDollar: نسبت انحراف معیار به بازدهی انتظاری واقعی دلار
 Dollar debrate: سهم دلار در بدهی خارجی کشورهای صادر کننده مواد خام
 US Interest: نرخ بهره پرداختی برای یک دلار

با توجه به نتایج حاصله، می‌توان گفت رگرسیون برازش شده یک رگرسیون معتبر است. چرا که با توجه به آماره‌های آزمون F ، t و تک‌تک ضرایب و کلیت رگرسیون معنی‌دار است. ضریب تعیین رگرسیون (R^2) نشان‌دهنده آن است که حدود ۹۹ درصد از سهم دلار در ترکیب ذخایر ارزی توسط متغیرهای مدل تبیین و توضیح داده می‌شود.

ضریب میزان تجارت کشورهای مذکور که بر حسب دلار انجام شده است و سهم دلار در ذخایر ارزی این کشورها ۱۱۳۳۲/۷۱ است که نشان‌دهنده رابطه مثبت بین حجم مبادلات بر حسب دلار و سهم دلار در ذخایر ارزی است. همچنین ضریب $RZigmadollar$ برابر ۱۶۸۱۱۰۳- بوده و منفی است این ضریب نشان می‌دهد با افزایش نسبت انحراف معیار به بازدهی انتظاری دلار، سهم دلار در ترکیب ذخایر ارزی کاهش می‌یابد. این ضریب نشان‌دهنده اثر ریسک بر سهم دلار در ترکیب ذخایر ارزی است. پس، با افزایش ریسک ناشی از نگهداری دلار، سهم دلار در ذخایر ارزی کاهش می‌یابد. همچنین رابطه بین سهم دلار در بدهی خارجی کشورهای مورد نظر و سهم دلار در ترکیب ذخایر ارزی آن کشورها مثبت و ضریب آن معادل ۸۵۴۱۳۱ است. همچنین ضریب، نرخ بهره دلار برابر ۰/۵۰۸- و منفی است و نشان می‌دهد که با افزایش نرخ بهره روی دلار، سهم دلار در ذخایر ارزی کاهش می‌یابد. این امر به دلیل قانون «برابری بهره» یا «Interest Parity» است. بر این اساس، با افزایش نرخ بهره دلار، انتظار می‌رود نرخ ارز کاهش یابد، با کاهش ارزش پول، کشورها تمایل پیدا می‌کنند که سهم آن پول را در ذخایر ارزی کاهش بدهند.

(ب) مارک آلمان

تابع لگاریتمی سهم مارک در ذخایر ارزی کشورهای صادر کننده مواد خام به صورت ذیل برآورد شده است:

۲۳- جهت اطمینان از معنی‌دار بودن آماره‌ها دورین واتسون آزمون همبستگی سریالی انجام شده است که در بخش آزمون تصریح و پایداری مدل ذکر شده است.

$$\begin{aligned} \text{Lsharemark} = & 2.81 - 0.87 \text{LMark debt rate} + 1.17 \text{LTmark} \\ & (6.47) \quad (-5.48) \quad (27.46) \\ & -0.23 \text{NZigma mark} \\ & (-1.17) \end{aligned}$$

$$R^2 = \%98 \quad \bar{R}^2 = \%98 \quad D - W = 2.16 \quad F - \text{statistics} = 318.49$$

که در آن تابع:

LTmark: حجم مبادله (مجموع صادرات و واردات) کشورهای صادر کننده مواد خام بر حسب مارک آلمان

Lshare mark: متوسط سهم مارک در ذخایر ارزی کشورهای صادر کننده مواد خام

Lmark Debt rate: سهم مارک آلمان در بدهی‌های خارجی کشورهای صادر کننده مواد خام

NZigma mark: نسبت انحراف معیار به بازدهی انتظاری اسمی مارک

با توجه به نتایج حاصله، می‌توان گفت رگرسیون برازش شده معتبر است. t و F ضرایب و کلیت رگرسیون معنی‌دار است. فقط در رابطه با ضریب NZigma mark ضریب t از ۲ کوچکتر بوده و برابر با ۱/۱۷- است ولی از آنجایی که قدر مطلق آن بالاتر از یک است، قابل قبول خواهد بود. مشاهده می‌شود ضریب این متغیر برابر ۰/۲۳- است. معنی‌دار بودن ضریب مذکور نشان‌دهنده رابطه معکوس بین ریسک ناشی از نگهداری از مارک و سهم مارک در ذخایر ارزی است. پس، صحت و سقم فرضیه پیشنهادی مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنین ضریب حجم تجارت برحسب مارک^{۲۴} و سهم مارک در ذخایر ارزی ۱/۱۷ بوده و مثبت است. این ضریب کاملاً معنی‌دار است و صحت نظریه در خصوص رابطه مثبت بین حجم مبادله در یک ارز و سهم آن ارز در ترکیب ذخایر ارزی را مورد تأیید قرار می‌دهد. لیکن ضریب سهم مارک در بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه^{۲۵} منفی و برابر ۰/۸۷- است.

ضریب تعیین رگرسیون R^2 نشان می‌دهد که حدود ۹۸ درصد از سهم مارک در ذخایر ارزی کشورهای مورد بررسی توسط متغیرهای لحاظ شده در مدل تبیین شده است. لازم به ذکر است از آنجایی که ضریب نرخ بهره آلمان بی‌معنی بوده است، این متغیر از رگرسیون حذف شده است.

ج) ین ژاپن

تابع لگاریتمی سهم ین در ذخایر ارزی کشورهای صادر کننده مواد خام به این صورت است:

$$\begin{aligned} \text{Lshareyen} = & 3.91 + 1.49 \text{Lyendebt rate} + 0.56 \text{LTyen} - 0.022 \text{NZigmayen} \\ & (3.55) \quad (7.13) \quad (4.54) \quad (-1.73) \end{aligned}$$

$$R^2 = \%98 \quad \bar{R}^2 = \%97 \quad D - W = 1.09 \quad F - \text{statistics} = 302.27$$

که در آن تابع:

LTyen: حجم مبادله (مجموع صادرات و واردات) کشورهای صادر کننده مواد خام برحسب ین ژاپن

Lshareyen: متوسط سهم ین در ذخایر ارزی کشورهای صادر کننده مواد خام

LyenDebt rate: سهم ین در بدهی‌های خارجی کشورهای صادر کننده مواد خام

24- LTmark.

25- LTmarkdebrate.

NZigmayen : نسبت انحراف معیار به بازدهی انتظاری اسمی ین ژاپن

همان طور که مشاهده می شود دوربن واتسون محاسبه شده بسیار پایین و مقدار آن ۱/۰۹ است. انجام آزمون خودهمبستگی، وجود خود همبستگی را در مدل برآورد شده، تأیید می کند. به منظور بررسی طریقه درست رفع خودهمبستگی، نمودار خودهمبستگی آماره Q مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که نمودار خودهمبستگی تغییرات قابل توجهی داشته و نمودار خودهمبستگی جزئی به صورت سینوسی و کاهنده است، با وارد کردن MA(1) در تابع، خودهمبستگی رفع شده است و مدل پس از رفع خودهمبستگی به صورت ذیل برآورد شده است.

$$\begin{aligned} Lshare\ yen = & 4.05 + 1.46Lyendebt\ rate + 0.55LTyen - 0.024NZigmayen \\ & (3.23) \quad (8.68) \quad (4.36) \quad (-2.96) \\ & + 0.98MA(1) \\ & (24.13) \end{aligned}$$

$$R^2 = \%99 \quad \bar{R}^2 = \%98 \quad D - W = 2.03 \quad F - statistics = 405.57$$

نتایج حاصله موید آن است که رگرسیون برازش شده معتبر است. چرا که آماره های آزمون t و F تک تک ضرایب و کلیت رگرسیون معنی دار است. ضریب تعیین نشان می دهد که رگرسیون انجام شده ۹۹ درصد از سهم ین ژاپن در ترکیب ذخایر ارزی توسط متغیرهای ملحوظ در مدل توضیح داده و تبیین شده است.

ضریب سهم ین در بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه در رگرسیون انجام شده ۱/۴۶ بوده و مثبت است. همچنین ضریب سهم حجم مبادله برحسب ین در این رگرسیون مثبت و برابر ۰/۵۵ است. پس، ضرایب متغیرهای مذکور با نظریه کاملاً همخوانی دارد. همچنین ضریب نرخ بهره روی ین بی معنی بوده و حذف شده است.

ضریب NZigmayen منفی و برابر ۰/۰۲۴- و کاملاً معنی دار است. این ضریب نیز نشان می دهد با افزایش نسبت انحراف معیار به بازدهی انتظاری ین، سهم ین در ترکیب ذخایر ارزی کاهش می یابد. پس، با افزایش ریسک ناشی از نگهداری ین، سهم ین در ذخایر ارزی کاهش می یابد.

۵-۲-۲- آزمون تصریح و پایداری مدل

برای بررسی تصریح و پایداری مدل، آزمون های مختلف تصریح و پایداری مورد استفاده قرار گرفت که خلاصه نتایج آزمون این گونه است:

الف) آزمون خودهمبستگی

برای بررسی وجود خودهمبستگی بین پسماندهای حاصل از رگرسیون، از آزمون LMTest استفاده شده است که نتایج آن برای هر ارز به شرح زیر است.

۱- دلار آمریکا

آماره آزمون های F و nR^2 (که دارای توزیع کای مربع است) در سطح اطمینان ۹۰ درصد وجود خودهمبستگی را تأیید نمی کند به طوری که مقدار آماره آزمون های F و nR^2 به ترتیب ۰/۸۷ و ۲/۳۶ است. همچنین ResiD(-1) و

(۲-Resid) بی معنی می باشند، پس فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی تأیید می شود.

۲- مارک آلمان

آماره آزمون های F و nR^2 وجود خودهمبستگی را تأیید نمی کند. آماره آزمون های F و nR^2 به ترتیب ۰/۷۲ و ۱/۹۵ است. همچنین (۱-Resid) و (۲-Resid) کاملاً بی معنی اند، پس فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی رد نخواهد شد.

۳- ین ژاپن

همان طور که مطرح شد آزمون اولیه LM موید وجود خودهمبستگی در مدل بوده است. پس جهت رفع خودهمبستگی (۱)MA وارد مدل شده است پس از رفع خودهمبستگی، مجدداً LMtest انجام شده است. مقادیر آماره آزمون های F و nR^2 به ترتیب برابر ۰/۶۷ و ۱/۷۸ است. همچنین (۱-Resid) و (۲-Resid) کاملاً بی معنی اند. پس، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی تأیید می شود.

ب) آزمون ناهمسانی خودرگرسیو شرطی واریانس (ARCH)

معمولاً مدل های اقتصادسنجی مبتنی بر متغیرهای سری زمانی، ناهمسانی واریانس ندارند. لیکن ممکن است ناهمسانی خودرگرسیو شرطی واریانس داشته باشند، برای انجام این آزمون (ARCH) Eviews-۳ استفاده شده است که نتایج آن دال بر عدم وجود این مشکل در رگرسیون های برآورد شده است.

۱- دلار آمریکا

آماره های آزمون ARCH برای دلار آمریکا F و nR^2 است که ضریب آنها برابر ۲/۵۴ و ۲/۴۷ است و Resid^2 نیز بی معنی است که همه این ضرایب عدم وجود ناهمسانی خودرگرسیو شرطی واریانس را تأیید می کند.

۲- مارک آلمان

ضریب آماری آزمون های ARCH برای مارک آلمان F و nR^2 برابر ۰/۵ و ۰/۵۴ و همچنین Resid^2 نیز کاملاً بی معنی است. پس، نمی توان فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود ناهمسانی خودرگرسیو شرطی واریانس را رد کرد.

۳- ین ژاپن

ضریب آماره ARCH برای ین ژاپن F و nR^2 برابر ۰/۷۵ و ۰/۸۱ است. همچنین Resid^2 کاملاً بی معنی است. همه این ضرایب عدم وجود ناهمسانی خودرگرسیو شرطی واریانس را تأیید می کند.

ج) آزمون تصریح مدل با استفاده از آزمون رمزی^{۲۶}

یکی از مشکلات مرسوم در رگرسیون های اقتصادسنجی، تصریح مدل است. بدین ترتیب که مدل مورد استفاده ممکن است خطای تورش تصریح داشته باشد، که در این صورت، نتایج رگرسیونی معتبر نخواهد بود. خطای تورش تصریح ممکن است به دلیل حذف متغیرهای مهم و یا اضافه کردن متغیر غیرضروری به وجود آمده باشد. برای انجام این آزمون، از آزمون تصریح رمزی

استفاده شده است. نتایج آزمون دلالت بر عدم وجود خطای تورش تصریح است.

۱- دلار آمریکا

آماره آزمون رمزی F و LR است که ضرایب آن به ترتیب برای دلار آمریکا ۰/۰۴ و ۰/۰۵ و $Fitted^2$ نیز کاملاً بی معنی است. لذا، فرضیه عدم وجود خطای تورش تصریح تأیید می شود.

۲- مارک آلمان

ضرایب آماره آزمون رمزی F و LR به ترتیب برای مارک آلمان ۰/۹۹ و ۱/۳۲ و $Fitted^2$ نیز کاملاً بی معنی است. پس، فرضیه عدم وجود خطای تورش تصریح تأیید می شود.

۳- ین ژاپن

ضرایب آماره آزمون تصریح رمزی F و LR به ترتیب برای ین ژاپن ۰/۵۸ و ۰/۸۱ و همچنین ضریب آماره $Fitted^2$ کاملاً بی معنی است پس، فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود خطای تورش تصریح قابل رد کردن نیست.

د) آزمون هم‌انباشتگی^{۲۷}

ممکن است این ایراد بر مدل برآورد شده وارد شود که رگرسیون برآورد شده یک رگرسیون کاذب^{۲۸} است. این موضوع از این جهت قابل تامل است که رگرسیون‌های مبتنی بر سری زمانی چنانچه با روش OLS برآورد شوند، ممکن است معتبر نباشد. چرا که متغیرهای سری‌های زمانی اقتصاد کلان معمولاً ساکن^{۲۹} نیستند. که در این صورت، نتایج رگرسیون به روش OLS سازگار نبوده و در چنین صورتی ضرایب به دست آمده در سیاستگذاری قابل استناد نیست.

برای اجتناب از رگرسیون کاذب، آزمون هم‌انباشتگی انگل-گرانجر به کار برده شد. برای این کار، ابتدا «آزمون ریشه واحد دیکی-فولر» صورت گرفته است. که نتایج حاصل دال بر انباشتگی^{۳۰} از مرتبه اول متغیرهای سری زمانی است. بدین ترتیب، طبق آزمون هم‌انباشتگی انگل-گرانجر آزمون ریشه واحد پسماندهای رگرسیون صورت پذیرفت که نتایج حاصل حاکی از انباشتگی از مرتبه صفر پسماندهای رگرسیون مورد نظر است. پس می توان گفت که یک رابطه تعادلی پایدار بلندمدت بین متغیرهای مدل وجود دارد و نتایج به دست آمده ابر سازگار^{۳۱} هستند. نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد برای هر معادله در جدول (۲)، (۳) و (۴) خلاصه شده است.

همان‌طور که از جداول ذیل معلوم است متغیرهای توضیحی مدل غیرساکن بوده و پس از یکبار تفاضل‌گیری ساکن شده‌اند. لیکن متغیر پسماند مدل در سطح ساکن بوده و انباشته از مرتبه صفر است یعنی $I(0)$ است. بدین ترتیب معادلات برآورد شده از لحاظ اقتصادسنجی و آماری کاملاً معتبر بوده و قابل استناد است.

27- Cointegration Test.

28- Spurious Regression.

29- Stationary.

30- Integrated.

31- Super Consistent.

جدول ۲- نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای سری زمانی مدل سهم دلار

تعداد وقفه برای رفع خودهمبستگی	مقادیر بحرانی آماره آزمون دیکی فولر	مقادیر بحرانی مک کینون			متغیر سری زمانی
		%۱	%۵	%۱۰	
۱	-۲/۴۷	-۴/۵۳	-۳/۶۷	-۳/۲۷	TXMDollar
۱	-۱/۲۲	-۲/۷۰	-۱/۹۶	-۱/۶۲	Rzigmadollar
۲	-۱/۱۹	-۳/۸۵	-۳/۰۴	-۲/۶۶	Dollar Debt Rate
۱	-۱/۸۶	-۴/۵۰	-۳/۶۵	-۳/۲۶	US Interest
۲	-۴/۳۵	-۴/۶۱	-۳/۷۱	-۳/۲۹	*Dtxmdollar
۰	-۴/۴۴	-۲/۷۰	-۱/۹۶	-۱/۶۲	DR Zigma dollar
۱	-۳/۰۹	-۲/۶۹	-۱/۹۶	-۱/۶۲	Ddollar Debt Rate
۰	-۴/۲۵	-۲/۶۹	-۱/۹۶	-۱/۶۲	DUS Interest
۱	-۳/۷۲	-۲/۷۰	-۱/۹۶	-۱/۶۲	Residual

* در ازای مقدار بحرانی مک کینون در سطح %۵ این متغیر I(۰) است.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای سری زمانی مدل سهم مارک

تعداد وقفه برای رفع خودهمبستگی	مقادیر بحرانی آماره آزمون دیکی فولر	مقادیر بحرانی مک کینون			متغیر سری زمانی
		%۱	%۵	%۱۰	
۲	-۱/۹۰	-۳/۸۵	-۳/۰۴	-۲/۶۰	Mark Debt rate
۲	-۲/۹۳	-۴/۵۷	-۳/۶۹	-۳/۲۸	Tmark
۱	-۲/۵۸	-۳/۹۲	-۳/۰۶	-۲/۶۷	NZigma mark
۰	-۲/۳۶	-۲/۶۹	-۱/۹۶	-۱/۶۲	*Dmark Deb rate
۰	-۳/۳۶	-۳/۸۳	-۳/۰۲	-۲/۶۵	*Dtmark
۰	-۲/۴۹	-۲/۷۲	-۱/۹۴	-۱/۶۲	*Dnzigmamark
۱	-۴/۷۳	-۳/۹۲	-۳/۰۶	-۲/۶۷	Residual
۰	-۴/۲۵	-۲/۶۹	-۱/۹۶	-۱/۶۲	DUS Interest
۱	-۳/۷۲	-۲/۷۰	-۱/۹۶	-۱/۶۲	Residual

* در ازای مقدار بحرانی مک کینون در سطح %۵ این متغیر I(۰) است.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای سری زمانی مدل سهم ین ژاپن

تعداد وقفه برای رفع خودهمبستگی	مقادیر بحرانی آماره آزمون دیکی فولر	مقادیر بحرانی مک کینون			متغیر سری زمانی
		%۱	%۵	%۱۰	
۱	-۳/۲۳	-۴/۵۳	-۳/۶۷	-۳/۲۷	Yen debt rate
۱	-۳/۰۷	-۴/۵۳	-۳/۶۷	-۳/۲۷	Tyen
۰	-۳/۶۴	-۴/۵۳	-۳/۶۷	-۳/۲۷	Nzigmayen
۰	-۴/۰۷	-۳/۸۳	-۳/۰۲	-۲/۶۵	Dyen debt rate
۲	-۳/۹۹	-۳/۸۸	-۳/۰۵	-۲/۶۶	Dtyen
۰	-۵/۶۵	-۲/۷۰	-۱/۹۶	-۱/۶۲	Dnzigmayen
۱	-۳/۶۰	-۲/۷۰	-۱/۹۶	-۱/۶۲	Residual

۶- خلاصه و نتیجه گیری

ترکیب ذخایر ناخالص ارزی کشورها براساس نیاز مبادلاتی آنان در بازار ارز تعیین می‌شود. از این رو، نیاز مبادلاتی براساس حجم مبادلات و جریان سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری می‌شود. به منظور برآورد ترکیب بهینه مبادلاتی ذخایر ارزی، ترکیب ذخایر ناخالص ارزی برای دلار و مارک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم‌های بهینه محاسبه شده برای ارزهای مختلف از سهم‌های واقعی آنان کمتر است. در مجموع این نتیجه حاصل می‌شود که این کشورها بیش از

مقدار مورد نیاز، ذخایر ارزی را به صورت دلار و مارک نگهداری می‌کنند. در بخش آخر این مقاله، به بررسی عوامل مؤثر بر ترکیب ذخایر ارزی پرداخته شده است. براساس مبانی نظری موضوع، ترکیب ذخایر ارزی تحت تأثیر ریسک ناشی از نگهداری ارزهای مختلف، جریان تجارت و جریان سرمایه است. براساس نظریه‌های موجود، بین سهم هر ارز در ذخایر ارزی و جریان سرمایه و جریان تجارت که با استفاده از آن ارز انجام می‌شود، رابطه مثبت وجود دارد. همچنین رابطه معکوس بین ریسک ناشی از نگهداری ارزهای مختلف و سهم آن ارز در ترکیب ذخایر ارزی وجود دارد. به منظور نشان دادن اثر این عوامل، توابع سهم سه ارز (دلار، مارک و ین) در ترکیب ذخایر ارزی براساس متغیرهای مربوطه با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد شده است. نتایج برآوردهای انجام شده موید آن است که صحت فرضیه رابطه مثبت بین جریان تجارت که با استفاده از یک ارز انجام می‌شود و سهم آن ارز در ترکیب ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده مواد خام مورد تأیید قرار گرفته است.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد بین میزان بدهی خارجی کشورهای مذکور در یک ارز معین (دلار و ین) و سهم آن ارزها در ترکیب ذخایر ارزی کشورها مورد نظر، رابطه مثبت وجود دارد. لیکن صحت این نظریه در مورد مارک آلمان تأیید نشد. مضافاً رابطه معکوس بین نرخ بهره آمریکا و سهم دلار در ترکیب ذخایر ارزی کشورهای مورد نظر تأیید شد، لیکن صحت این نظریه در مورد ین ژاپن و مارک آلمان به اثبات نرسید. همچنین نتایج بررسی‌ها موید آن است که رابطه معکوس بین ریسک ناشی از نگهداری از ارزهای مختلف و سهم آن ارز در ترکیب ذخایر ارزی در مورد سه پول (دلار، مارک و ین) وجود دارد.

فهرست منابع

- 1- "Economic Trend", Central Bank of the Islamic Republic of Iran, 1375-1380.
- 2- Aficer Lawrence and willett Thomas, (1969), "Reserve-asset Preferences and the Confidence problem in the Crisis Zone", *Quarterly Journal of Economics*.
- 3- Ben-Bassat Abraham, (1980), "The Portfolio Composition of Foreign Exchange, Reserve", *Journal of International Economy*.
- 4- Dellas and Yoo, (1990), "Reserve Currency Preferences of Central Bank, The Case of Korea" *Journal of International Money and Finance*, Septamber, P.P. 405-19.
- 5- Disyatat Piti, (2001), "Currency Crises and Foreign Reservs: A Simple Model", *IMF Working Paper*.
- 6- Dooley Michael, Lizondo Saul, Mathieson Donald, (1989), "The Currency Composition of Foreign Exchange Reserves: Retrospect and Prospect", *International Monetary Fund*.
- 7- Eichengreen Barry and Mathieson Donald, (2001), "The Currency Composition of Foreign Exchange Reserves: Retrospect and Prospect", *International Monetary Fund*.
- 8- Heller Robert and Britto Ronald, (1973), "International Adjustment and Optimal Reserves", *International Economic Review*.
- 9- IMF Exchange Restriction, 1970-2000.
- 10- International Monetary Statistics, 1975-2000.
- 11- Makin John, "The Composition of International Reserves Holding: A Problem of Choice Involving Risk", *The American Economic Review*.
- 12- Markowitz H.M., (1952), "Portfolio Selection", *Journal of Finance*.
- 13- Masson Paul and Turtalboom Bart, (1997), "Characteristics of the Euro, The Demand for Reserve and Policy Coordinateion Under EMU", *IMF Working Paper*, May.

- 14- Stekler Lois and Piekarz Rolf, (1970), "Reserve Asset Composition for Major Central Bank", *Axford Economic Paper*.
- 15- Tamel Papa Ioannon, (1993), "Portfolio Performance of the SDRs and Reserve Currency", *IMF Working Paper*.
- 16- Zaliber Robert, (1967), "Gershan's Law, Asset Preferences and the Demand for International Reserves", *Quarterly Journal of Economics*.